

عنوان مقاله:

تحلیل قدرت مولد فوکویی از منظر گفتمان (مطالعه موردی: تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران)

محل انتشار:

فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره 13، شماره 4 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

محمدرضا تاجیک - عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

خسرو رضازاده - وزارت امور خارجه/دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

خلاصه مقاله:

فوکو قدرت را مساوی با کردار و عمل دانسته و در همین راستا تحلیلات قدرت را به جای نظریه قدرت قرار می دهد. قدرت زمانی می تواند تبدیل به کردار شود که بتواند دانش و گفتمان ایجاد نماید. در واقع بدون برقراری رژیم حقیقت یعنی گفتمان، قدرت نمی تواند به صورت کردار تبلور یابد. قدرت می تواند انقیاد، سلطه، استراتژی به هنجارسازی و یا قدرت مشرف بر حیات شود. قدرت، گفتمان را می سازد تا سوژه و ابژه خلق کند. این پژوهش در پی پاسخ گویی به این پرسش اساسی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چگونه توانسته است برای حصول به منافع ملی حداکثری، از دو امر اساسی قدرت و گفتمان در وجه مطلوب خود بهره برداری لازم را به عمل آورد؟ در مقام پاسخ فرضیه جستار بدین صورت قرار می یابد که: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، یک سیاست خارجی با رویکرد های زمانی متفاوت، بر اساس گفتمان اسلام سیاسی است. اعمال این سیاست در عصر پست مدرن، نیازمند به قدرت و دانش و اجرای یک گفتمان غالب برای تاسیس یک رژیم حقیقت در نظام بین الملل است». سیاست خارجی ج.ا.ایران بر اساس موازین گفتمانی قابل صورت بندی و مفصل بندی است. برای تحلیل این مبانی از دو روش دیرینه شناسی و تبارشناسی در بافت خوانش گفتمانی میشل فوکو و با اتخاذ مفاهیم کاربردی بهره گرفته می شود.

کلمات کلیدی:

تحلیل گفتمان، دیرینه شناسی، تبارشناسی، قدرت مولد، سیاست خارجی ج.ا. ایران، میشل فوکو

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1520108>

